ایران
Iran Daily Newspaper
چهارشنبه
۱۷ تیر ۱۴۰۵
۲۳ محرم ۱۴۴۸
سال سی و دوم
شماره ۹۰۶۷
Wednesday
8 July 2026
Vol 9067

«نسبت‌سنجی ایمان و عمل» در منظومه فکری رهبر شهید

منشوری برای زیست مؤمنانه

آیت‌الله خامنه‌ای به «ایمانِ آگاهانه و بصیرت‌مندانه» تأکید داشتند

تأمل

دکتر همایون همتی
استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران

انسان امروز گاه در دوگانه‌های ناروا گرفتار می‌شود و «ایمان» و «عمل» را دو ساحت مجزا می‌پندارد. در حالـی کـه رهبـر شـهید، حضـرت آیـت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، همواره تأکید به همراهی این دو داشتند. رساله موجز اما عمیق ایشان، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» گویای همین نگاه است. این رساله که حاصل جلسات تدریس رهبر شهید برای نسل جوان در سال‌های پیش از انقلاب است، الگویی نوین در مواجهه با نسبت ایمان و عمل به شمار می‌رود. در این نگاه، ایمان نقشی دوگانه دارد؛ هم «نقش‌بند زندگی» است و هم «زاینده عمل». مقاله پیش‌رو می‌کوشد تا با واکاوی این رساله، نشان دهد چگونه رهبر شهید از چهار رکن ایمان، توحید، نبوت و ولایت، شبکه‌ای مفهومی ترسیم می‌کنند که در آن هر مؤمنی به مثابه یک «عامل مسئول» تعریف می‌شود.

رهبر شهید، سالیانی پیش از پیروزی انقلاب برای جوانان تدریس و تقریرهایی داشت که در رساله کوتاهی با عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» گردآوری شده است. در این رساله کم‌حجم و فشرده، زعیم سفرکرده ما با زبانی پاکیزه و آشکار از ایمان آغاز نموده، توحید را به منزله یک جهان‌بینی کامل و تمام‌عیار مطرح کرده، از بعثت و نبوت سخن گفته و بحث‌ها را با ولایت به پایان برده است و دین اسلام را همچون یک ایدئولوژی پویا و سرشار از حیات، به جامعه و نسل جوان شناسانده است.

طرحی نو در اندیشه اسلامی

در کتاب‌های سنت علم کلام اسلامی، شیوه بر آن است که غالباً از «امور عامه» آغاز می‌کنند؛ یعنی مباحثی همچون «بداهت وجـود»، «بسـاطت وجود»، «اشـتراک معنوی وجود»، «زیـادت وجود بـر ماهیت»، «اصالـت وجود»، بحث‌هایی درباره امتناع اعاده معدوم، مباحث مربوط به علیت، وجوب و امکان، حدوث و قدم، جواهر و اعراض و شبیه این موضوعات و بدین منوال راه را بر مباحث الهیات «بالمعنی الاخص» گشوده می‌سـازند. خود این مباحث را نیز «الهیات بالمعنی الاعـم» می‌نامند. پیش از ورود به امور عامه یا همین الهیات عـام، مباحثی درباره «وجوب شکر منعم» و «لزوم دفع ضرر و جلب منفعت» می‌آورند تا ضرورت پرداختن به بحث خداشناسی و اعتقادات دینی را مسجل سازند. اما این رسـاله موجز رهبر شهید، طرح اندیشـه اسـلامی را در خود قرآن بازمی جوید و به همین سبب به هیچ یک از مباحث یاد شده نمی‌پردازد و در واقع می‌توان آن را مدلی تازه و طرحی نو برای اعتقادات اسلامی بر اساس قرآن مجید دانست.

ایمان؛ سرآغاز سیر وجودی آدمی

در این رسـاله، سـخن از «ایمان» آغاز می‌شود که بسیار شبیه بحث‌های «کلام جدید» یا «الهیات نوین» در روزگار ماست. در کلام جدید معاصر نیز بحث‌ها با «نیازهای بشر» آغاز می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها نیاز به ایمان است. ایمان‌ورزی، نیازی اصیل و تمایلی سرشـتی و بنیادین در ضمیر آدمی اسـت کـه در پی معبودی اصیـل و صاحب کمال می‌گردد. رساله مورد بحث ما نیز ایمان را حقیقتی اصیل، ریشه‌دار و نیاز همیشگی انسان معرفی می‌کند و آن را آغازگاه سیر وجودی آدمی و فلسفه بودن او می‌شمارد که معنابخش زندگی است.

در فـرازی از این رسـاله آمده اسـت: «ایمان یعنـی باور، پذیرش و پایبندی به آنچه بـرای آن و در راه آن به تلاش و جدّ و جهد نیاز اسـت و به راهی که وی را به آن سـرمنزل می‌رساند و بالاخره به خود همین تلاش و حرکت. بدون ایمان، هر حرکت و پویشی ناپایدار و بی‌فرجام است و هر پوینده‌ای دل‌مرده و بی‌نشاط و سرانجام، خاموش و راکد و بی‌حرکت...» تکیه قرآن بر «ایمان» و «مؤمن» و معرفی این خصلت بـه عنوان برتریـن ارزش‌ها و سـرآمدترین خصلت‌های انسان، از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد.

انتقاد به مؤمنان گسسته از عمل

رهبر شهید در این رساله از ایمانی آگاهانه و متکی به اصول و مبانی عقیدتی و دنباله‌روی بصیرت‌مندانه از پیامبر خدا سـخن می‌گوید و به آیات زیـادی در قرآن کریم اسـتناد می‌کند. ایشـان به ایمان گسسـته از عمل و نازا و عقیم اعتقادی ندارد، بلکه ایمان را از این جهت که «نقش‌بند زندگی» و «زاینده عمل» است معتبر می‌داند؛ یعنی ایمانی توأم با عمل و تعهدات عملی.

سـپس از نویدها سـخن می‌گوید کـه در واقـع بحث از آثار و خـواص ایمان داشـتن و ایمان آوردن اسـت؛ دل آرام و نورانـی، بشـارت‌های راسـتین و امـوری همچون اطمینان، سکون، امن و هدایت‌یافتگی آشکاری که قرآن به ایمان‌داران می‌دهد. این بحث هرچند بسـیار کوتاه و فشرده مطرح گشته است، اما مدلی تازه در این باب است.

ایمان مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی

در این رساله رهبر شهید، «توحید» و «جهان‌بینی توحیدی» نیز به گستردگی و با ابعاد گوناگون مورد بحث قرار گرفته اسـت. خدا همچون قدرت برتر و آفریننده کل جهان و جهانیان که به همه خصلت‌های نیـک همچون علم، قدرت، اراده، حیات و... آراسـته اسـت معرفی شده و عالم از ذره تا افلاک و کهکشان‌ها و جهان‌های ناشناخته همه بندگان و مخلوق و مقهور اویند. او فرزند، همسـر و هم‌شـأنی ندارد و همه موجودات در دایره عبودیت او قرار دارند. این قاعده توحید است که جهان بر آن استوار است و اساس همه طرح‌ها و برنامه‌ها و افکار و اعمال و سبک زندگی در اسلام است.

توحید با بیان‌ها و تعبیرات مختلف در قرآن معرفی شده است. همه جهان بر اساس جهان‌بینی توحیدی به یک قدرت برتر یعنی خدا وابسته اسـت. او نه تنها آفریدگار جهان و جهانیان است بلکه بر همه موجودات، «سیطره تکوینی» دارد و زمام قانونگذاری و تشـریع نیز تنها از آن اوسـت و همه موجودات، ملزم به تبعیت از او هستند. عبودیت یکسان و همگانی موجودات عالم در برابر خدا مسـتلزم آن اسـت که هیچ‌یک از بندگان او خودسر و مستقل، حق تحکم و فرمانروایی بر بندگان دیگر نداشته باشد (نفی طاغوت) و زمامدار و مدیر و مدبر امور زندگی انسـان‌ها فقط کسـی اسـت که خدا خود به حکومت برگزیده است (یا به شخص، مانند امامان معصوم و یا به علائم و ملاک‌ها مانند حاکم اسلامی در زمان غیبت امام معصوم). بدین‌سان خدا هم دارای «الوهیت انحصاری» و هم «ربوبیت انحصاری» است.

در این رسـاله رهبر شـهید، روح توحید، نفی عبودیت غیرخدا دانسـته شـده اسـت و ایـن تأکیدی بـر بُعد اجتماعی و سیاسی توحید است که ما امروز بدان سخت محتاجیم. نفی ستم، تبعیض و نظام طبقات ظالمانه از توابع و آثار عقیده به توحید است.

پذیرنده دعوت نبی

در فصلی دیگر، رهبر شهید، به بحث نبوت و هدف آن و بعثت پیامبران پرداخته اسـت. دعوت به خدا و ایمان و هدایتگری جامعه و مردم و مبارزه با گروه‌های ستمگر و جامعه‌ستیز، تحت عنوان طاغوت، مَلأ، مترفین، احبار و رهبان در این فصل همراه با استناد به آیات قرآنی مورد بحث قرار می‌گیرد. پیامبران، راهنمایان جامعه‌اند و به بالا بردن سطح اندیشه و روحیه انسان‌ها و آماده‌سازی آنها اهتمام می‌ورزند. پذیرنده دعوت نبی باید همان راهی را که نبی در آن گام نهاده تعقیب کند و در انجام مسئولیتی که او به عهده گرفته وی را یاری دهد. فلسفه نبوت و مفاد و روح و معنای آن، قبول دعوت نبی و قبول تعهدی حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. بدین‌سان در جهان‌بینی دینی و در بحث نبوت، مسأله «مسئولیت اجتماعی» و مسئولیت همگانی تجلی می‌یابد که امروز از مباحث مهم رشته‌های «فلسفه اخلاق» و «فلسفه سیاسی» است.

مرزبندی فکری و عملی با دشمن

در آخرین بخـش این رسـاله، بحث «ولایـت» مطرح می‌شـود که از مباحث ریشـه‌دار و دامنه‌گستر معارف اسلامی است. بحث ولایت، هم از دوستی و تبعیت سخن می‌گوید و هـم از رهبری و زعامت جامعـه. لازمه ولایت داشتن، مرزبندی با دشمنان و جبهه‌گیری و صف‌آرایی فکری و عملـی در برابر آنان اسـت که در قـرآن گاهی «موالات» یا «تولی» نامیده شده است. همچنین ولایت، مقتضی تشکیل یک امت و جامعه نیرومند ایمانی است که موجب حفظ وحدت و یکپارچگی و جلوگیری از نفوذ و اخلال دشمنان است. ولی، یعنی راهبر جامعه اسلامی که به اذن خداوند، جامعه را به سمت آرمان‌ها و هدف‌های الهی راهبری می‌کند. پس ولایت، تنها بعد عاطفی ندارد، بلکه حقیقتی است تابناک و هدایتگر و ضرورتی است که ضامن پایداری و بقا و اعتلای جامعه است.

> رهبر شهید به ایمان گسسته از عمل اعتقادی ندارند، بلکه ایمان را از این جهت که «نقش‌بند زندگی» و «زاینده عمل» است معتبر می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: ایمان یعنی باور، پذیرش و پایبندی به آنچه برای آن و در راه آن به تلاش و جدّ و جهد نیاز است و بدون ایمان هم، هر حرکت و پویشی ناپایدار و بی‌فرجام است

جایگاه «ادبیات فارسی» در نظام اندیشه‌ای رهبر شهید

روایت حقیقت؛ آفرینش امید

تحلیل گفتمان

دکتر مهدی کاموس
پژوهشگر مطالعات فرهنگی

بازخوانـی بیانـات رهبر شـهید دربـاره «قصه»، «داستان» و «رمان»، امکان شناخت یکی از ابعاد کمتر بررسی‌شده نظام اندیشه‌ای ایشان را فراهم می‌آورد؛ بعدی که در آن، ادبیات، رسـانه‌ای برای روایت حقیقت، حفظ حافظـه تاریخی و تقویت امید اجتماعی تلقی می‌شـود. در ایـن گفتار، تبیین می‌شود که چطور رهبر شهید با رویکرد «رئالیسم اجتماعی» ادبیات فارسی را مورد مداقه قرار می‌دادند.

بررسـی بیانات رهبر شـهید دربـاره «قصه»، «داسـتان» و «رمان» نشـان می‌دهد کـه ادبیـات در منظومه فکری ایشـان صرفاً یک گونه هنری یا عرصه‌ای بـرای آفرینش زیبایی‌شناختی نیست، بلکه بخشی از سازوکار تولید معنا در جامعه و ابزاری برای روایت حقیقت تاریخی، بازنمایی هویت ملت‌ها و تقویت سـرمایه فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌آید.

تحلیل این بیانات که بر پایه «رویکرد تحلیل گفتمان» و با بررسی کاربرد سه واژه «قصه»، «داستان» و «رمان» انجام شده، نشـان می‌دهد که این مفاهیم در منظومه فکری رهبر شهید، همواره در نسبت با مسائل اجتماعی، تاریخی و فرهنگی معنا پیـدا می‌کنند و هیـچ‌گاه از واقعیت‌های جامعه منفک نیستند.

نگاه به ادبیات با رویکرد «رئالیسم اجتماعی»

یکی از ویژگی‌های نگاه رهبر شـهید به ادبیات فارسـی، نگاه واقع‌گرایانه و رئالیسـتی ایشان اسـت. در بیانات ایشان، «قصه»، «داستان» و «رمان» در پیوند با واقعیت اجتماعی مطرح می‌شوند و ادبیات خیال‌پردازانه یا صرفاً فانتزی جایـگاه محوری ندارد. در نگاه ایشـان، ادبیات، زمانی که معطوف به تجربه زیسته انسان، تاریخ ملت‌ها و مسائل واقعی جامعه باشـد، کارکرد فرهنگی بیشتری خواهد یافت. از این رو، گفتمان حاکم بر ادبیات در این منظومه را می‌توان گفتمانی مبتنی بر «رئالیسم اجتماعی» دانست؛ گفتمانی که ادبیات را وسیله‌ای برای فهم جامعه می‌داند.

در این چارچوب، میان «قصه»، «داسـتان» و «رمان» نیز تمایزی روشن وجود دارد. بررسی بیانات رهبر شهید نشان می‌دهد که واژه «قصه» همواره در معنای تخصصی خود به کار رفته و هرجا از قصه سخن گفته می‌شود، مقصود همان قالب ادبی شناخته‌شـده اسـت. در مقابل، «داستان» غالباً کاربردی عام دارد و بیشـتر به معنای ماجرا، روایت یا سرگذشـت به کار می‌رود؛ چنان‌کـه در تعابیری مانند «داستان مفصلی دارد»، «داستان تلخی است» یا «داستان عجیبی است» نیز همین معنای عمومی مدنظر است. اما «رمان» در تمام موارد، به عنوان یک قالب ادبی مشخص و با کارکردی ویژه مطرح می‌شـود؛ قالبـی که مهم‌ترین ظرفیت آن، روایت تاریخ اجتماعی ملت‌هاست.

رمان به مثابه «سند فرهنگی»

یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه رهبر شهید درباره ادبیات، تلقی رمان به عنوان «سـند فرهنگی» است. در این نگاه، رمان صرفاً روایت تخیل نویسنده نیست، بلکه می‌تواند بخشـی از حقیقت یـک جامعه را آشـکار کند؛ حقیقتی که گاه در اسناد رسـمی و سیاسی نیز به روشنی دیده نمی‌شود. به همین دلیل، برای شناخت یک ملت، مراجعه به آثـار ادبی، بویژه رمان، در کنار اسـناد تاریخی اهمیت پیدا می‌کند، زیرا رمان تجربه زیسته مردم، فرهنگ عمومی، شیوه زندگی، نوع اندیشیدن، روابط اجتماعی و کیفیت مواجهه یک جامعه با حـوادث تاریخی را بازتاب می‌دهد.

بر همین اساس، در بیانات رهبر شـهید، هنگام اشاره به برخی مقاطع تاریخی، از رمان‌ها به عنوان منبع شناخت واقعیت‌های اجتماعی یاد می‌شود. برای نمونه، در تبیین برخی ابعاد تاریـخ آمریکا، بـه جای اتکا صرف به اسـناد سیاسـی یا تاریخی، از رمان‌هایی مثال آورده می‌شود که نظام برده‌داری یا سـاختارهای اجتماعی و سیاسـی آن جامعه را روایت کرده‌اند. این شیوه ارجاع، نشان می‌دهد که رمان در منظومه فکری رهبر شـهید، صرفاً اثری ادبی نیست؛ بلکه سـندی فرهنگی برای فهم تاریخ اجتماعی ملت‌ها تلقی می‌شود.

بر همین مبنا، ارزش رمان تنها به کیفیت ادبی آن محدود نمی‌شود، بلکه نسبت آن با حقیقت تاریخی نیز اهمیت می‌یابد. هرگاه روایت ادبی از واقعیت تاریخی فاصله بگیرد یا به تحریف تاریخ بینجامد، کارکرد فرهنگی خود را از دست می‌دهد. از ایـن رو، یکی از مهم‌تریـن معیارهای ارزیابی رمان، میزان وفاداری آن بـه حقیقت تاریخی و اجتماعی است. نقد برخی آثار مرتبط با انقلاب اسلامی نیز از همین منظر صورت می‌گیـرد؛ یعنی آنجا که روایـت تاریخ دچار تحریف یا جابه‌جایی واقعیت‌ها شده باشد، اثر ادبی نیز مورد نقد قرار می‌گیرد، زیرا دیگر قادر نیست نقش خود را به عنوان سند فرهنگی ایفا کند.

ادبیات دفاع مقدس؛ ادبیات متعهد

بررسـی بیانات رهبر شـهید نشـان می‌دهد که «ادبیات دفاع مقـدس» جایگاه محوری در گفتمان ادبی ایشـان دارد و می‌توان آن را دال مرکزی این منظومه دانست. این جایگاه، ناشی از آن اسـت که دفاع مقدس در این نگاه، صرفاً یک رخداد نظامی یا سیاسی نیست، بلکه نقطه‌ای اسـت که حقیقت انقلاب اسـلامی، هویت ملت ایران و تجربه تاریخی جامعه در آن متجلی شده است. از این رو، ادبیات داستانی، بویژه رمان، مسئولیت دارد این تجربه را به گونه‌ای روایت کند که حقیقت آن برای نسل‌های بعدی محفوظ بماند. در این منظومه فکری، یکی از مهم‌ترین وظایف رمان، «درست‌نویسی» اسـت؛ یعنی روایت ادبی باید در عین بهره‌گیری از ظرفیت‌های هنری، نسبت خود را با حقیقت تاریخی حفظ کند. مقصود از درست‌نویسی، صرفاً دقت در نقل وقایع نیست، بلکه بازنمایی صحیح کلیت تجربه دفاع مقدس و جلوگیری از تحریف آن است. از همین رو، یکی از محورهای مورد تأکید ایشان، نقد آثاری است که در روایت انقلاب اسلامی یا دفاع مقدس، تاریخ را به‌درستی بازتاب نداده یا آن را دچار تحریف کرده‌اند.

در این نـگاه، روایت دفـاع مقدس باید به پرسـش‌های بنیادینی پاسخ دهد؛ اینکه ملت ایران با چه کسانی جنگید، این جنگ چرا شـکل گرفت، چـه کسـانی در آن حضور داشتند و پیامدهای آن چه بود. پاسخ به این پرسش‌ها، بخشی از مسـئولیت ادبیات داسـتانی در قبال حافظه تاریخی جامعه است.

بر همین اسـاس، جنگ‌های تحمیلی ایران نباید تنها به تقابل ایران و حکومت‌های متجاوز تقلیل یابد. روایت ادبی باید تصویری کامل‌تر از این تجربه تاریخی ارائه دهد و نقش قدرت‌های جهانی و گستره واقعی این رویارویی را نیز نشان دهد. همچنین، نباید روایت جنگ تنها به نیروهای نظامی محدود شود. آنچه در این منظومه مورد توجه قرار می‌گیرد، حضور فراگیر مردم در دفاع از کشـور است؛ حضوری که از رزمندگان، نیروهای ارتش و سـپاه تا بسیجیان و عموم مردم را دربرمی‌گیرد و به همین دلیل، دفاع مقدس به تجربه‌ای ملی و اجتماعی تبدیل می‌شود.

از این منظر، ادبیات دفاع مقـدس تنها به ثبت وقایع جنـگ نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشـد چرایـی مقاومت، انگیزه‌های حضور مردم، آثار اجتماعی جنگ و پیامدهای تاریخی آن را نیز روایت کند. در نتیجه، رمان به رسانه‌ای برای «انتقال حافظه تاریخی یک ملت» تبدیل می‌شود؛ حافظه‌ای که اگر در ادبیات بازنمایی نشـود، بخشی از حقیقت تاریخی جامعه نیز از دست خواهد رفت.

رمان تاریخی؛ تجربه زیسته یک جامعه

بررسی بیانات رهبر شهید نشان می‌دهد که این توجه به ادبیات دفاع مقدس، در چارچوب نگاه کلی ایشان به کارکرد اجتماعی ادبیات قرار دارد. از همین رو، ارزش یک اثر ادبی تنها با معیارهای فنی و هنری سنجیده نمی‌شود، بلکه میزان موفقیـت آن در بازنمایی حقیقت، حفظ حافظه تاریخی و تقویت آگاهی اجتماعی نیز در ارزیابی آن نقش تعیین‌کننده دارد.

در این منظومه، «رمـان تاریخی» جایگاهـی ویژه پیدا می‌کند، زیـرا امکان روایت تاریـخ اجتماعی ملت‌ها را فراهم می‌آورد. تاریخ در اینجا صرفاً مجموعه‌ای از وقایع و اسناد نیست، بلکه تجربه زیسـته یک جامعه است؛ تجربه‌ای که در بسـیاری از موارد، ادبیات قادر است آن را عمیق‌تر و ماندگارتر از گزارش‌های رسمی منتقل کند.

ادبیات؛ عرصه‌ای برای ساخت امید

بررسی بیانات رهبر شهید نشـان می‌دهد که «ادبیات تحلیلی» بیشتر مورد تأمل ایشـان بوده است؛ ادبیاتی که مخاطب را به فهم عمیق‌تر مسائل انسانی رهنمون می‌شود. رمان می‌تواند نشان دهد که یک ملت چگونه زندگی کرده، چگونه اندیشـیده، در برابر دشـواری‌ها چگونه ایستادگی کرده و چه تجربه تاریخی را پشت سر گذاشته اسـت. از این رو، رمان و قصه زمانی به کارکرد اصلی خود دست می‌یابند که بتوانند این حقیقت را در قالبی هنری و ماندگار روایت کنند.

یکی دیگـر از ویژگی‌های نگاه رهبر شـهید بـه ادبیات فارسـی، توجه به افق امید در آثار ادبی اسـت. در این نگاه، اثر ادبـی، در عین آنکه واقعیـت را بیان می‌کند، نباید به یأس، رکـود و بی‌تحرکی بینجامـد. از همین رو، امید، نشاط و برانگیختن مخاطب برای حرکت، از ویژگی‌هایی است که برای ادبیات اهمیت پیدا می‌کند. مقصود از امید، نادیده گرفتن واقعیت‌های تلخ یا چشم پوشیدن از دشواری‌ها نیست، بلکه آن است که روایت ادبی، مخاطب را به بن‌بست نرساند و امکان حرکت و پویایی را پیش روی او قرار دهد.

در بیانات رهبر شـهید، ایـن رویکرد حتی در اشـاره به برخی آثار کلاسـیک نیز دیده می‌شـود. ایشـان درباره داستان رستم و سهراب، به فرجام تلخ این روایت اشاره می‌کنند و از علاقه خود به پایان‌های امیدبخش سخن می‌گویند. این بیان، نشان‌دهنده توجه به تأثیر اجتماعی ادبیات است؛ تأثیری که می‌تواند در ایجاد انگیزه، نشاط و روحیه کنشـگری در مخاطب نقش داشته باشد. بر همین اساس، ادبیات مطلوب در منظومه فکری ایشان، ادبیاتی است که در عین پایبندی به حقیقت، افق آینده را نیز روشن نگاه دارد.

> در منظومه فکری رهبر شهید، ادبیات پیش از آنکه یک فعالیت صرفاً هنری باشد، نوعی کنش فرهنگی و اجتماعی است. از همین رو، ادبیات مطلوب وظیفه دارد در عین پایبندی به حقیقت، افق آینده را نیز روشن نگاه دارد و امکان شناخت دقیق‌تر واقعیت‌های اجتماعی را برای نسل‌های آینده فراهم آورد

iranewspaper.ir
iranewspaper